بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

مطهرات حکم اوانی و ظروف جلسه7 مساله3..30/3/1400

مساله سوم از مسائل ظروف حکم استفاده از ظروف شراب است اموری باید بحث شود :

امر اول : آیا ظرفهای شراب بعد از شستن از نظر شرع جایز است استفاده شود ؟ بله چون ظرفهای شراب قابلیت پاک شدن را دارد و روایاتی که دستور می دهند ظرفهای شراب را سه بار یا بیش از سه بار بشویید شامل جواز استعمال این ظروف می شود و از اطلاق این روایات استفاده می شود مثل موثقه عن عمار بن موسى، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الدن يكون فيه الخمر، هل يصلح أن يكون فيه خل أو ماء كامخ أو زيتون؟ قال: إذا غسل فلا بأس. وعن الإبريق وغيره يكون فيه خمر، أيصلح أن يكون فيه ماء؟ قال: إذا غسل فلا بأس، وقال: في قدح أو إناء يشرب فيه الخمر، قال: نغسله ثلاث مرات. وسئل أيجزيه أن يصب فيه الماء؟ قال: لا يجزيه حتى يدلكه بيده ويغسله ثلاث مرات. وسائل ج ۲ ص ۱۰۷۴

امر دوم : ظرفهایی که از چوب یا از کدوی تنبل یا از سفال آنهم سفالی که لایه قیر ندارد استفاده از این ظروف اشکال دارد یا نه ؟ این سوال برای این است که شراب از آب است و درون این ظرفها نفوذ می کند و با شستن ظاهر این ظروف می توان برای آب خوردن و غیره استفاده کرد یا نه ؟ فقها در اینجا دو دسته اند

دسته اول : اکثر و مشهور که بعد از سه بار شستن قابل استفاده است و تمسک به روایات فوق کردند و حق هم همین است

دسته دوم : مثل مرحوم علامه در النهایه و ابن براج و ابن جنید که استفاده را ممنوع کردند چون شراب اسیدی دارد که تیز است و درون این ظرفها نفوذ می کند و موقع شستن آب به اعماق آن نمی رسد لذا غیر قابل تطهیر است ، علاوه بر اینکه دو تا روایت هم وارد شده یکی صحیحه محمد بن مسلم و دیگر ی روایت ابی ربیع شامی است که از نظر متن شبیه به هم اند لذا از هر دو استفاده می شود ظرفهایی که شراب در آنها نفوذ نمی کند قابل تطهیر است و استفاده اشکالی ندارد اما ظرفهایی که قابل تطهیر نیست و شراب در آنها نفوذ می کند استفاده نباید کرد

اما صحیحه عن محمد بن مسلم، عن أحدهما عليهما السلام قال: سألته عن نبيذ قد سكن غليانه - إلى أن قال: - و سألته عن الظروف، فقال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن الدباء والمزفت وزدتم أنتم الحنتم يعني الغضار، والمزفت يعني الزفت الذي يكون في الزق ويصبب في الخوابي ليكون أجود للخمر، قال: وسألته عن الجرار الخضر والرصاص، فقال: لا بأس بها . که یکی از این ظروف نهی شده

دباء است ظرفی است که از کدوی تنبل ساخته می شود ، مُزفَّت ظرفی است که از سفال است و لایه قیری هم دارد ، حنتم یک ظرفی که از سفال درست می شود اما سفال آن محکم است که آب نفوذ نمی کند ، سوال کردیم از ظرفهایی که سبز رنگ است امام فرمودند اشکالی ندارد

دیگری هم روایت عن أبي الربيع الشامي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن كل مسكر، فكل مسكر حرام، قلت: فالظروف التي يصنع فيها منه؟ قال:

نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن الدبا والمزفت والحنتم والنقير، قلت: وما ذلك؟ قال: الدبا:

القرع، والمزفت: الدنان، والحنتم: جرار خضر، والنقير: خشب كان أهل الجاهلية ينقرونها حتى يصير لها أجواف ينبذون فيها. قرع، کدوی تنبل را می گویند

اما تحقیق درباره این دو روایت :

امر اول : دسته دوم از فقها دلیل بر منع استفاده از این ظروف را نفوذ شراب در اعماق این ظرفها دانسته اند که اگر صرف نفوذ باعث شود که ظرف غیر قابل طهارت باشد و استفاده اش جایز نباشد باید ظرفهایی که آب نجس یا بول یا سایر مایعات نجس در آنها نفوذ می کند باید قابل تطهیر نباشد و غیر قابل استفاده باشد در حالی که در باب کر و جاری گفته شد که این ظرفها را درون کر یا جاری قرار گرفته تا کاملا آب در آنها نفوذ کند

امر دوم : از صحیحه ابن مسلم استفاده نمی شود که کلیه ظروف خمر غیر قابل تطهیر و غیر قابل استفاده است بلکه نام برخی از ظروف برده شده است مثل مُزفّت که از ظرف سفالی که لایه قیری دارد یا .... لذا نمی توان الغای خصوصیت کرد که کلیه ظروف خمر قابل تطهیر نیست

امر سوم : صحیحه ابن مسلم نمی خواهد بگوید خمر در باطن ظرفها نفوذ می کند بلکه دو تا از ظروف را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نهی کردند یکی دبّاء و دیگری مُزَفّت در حالی که با تحقیقاتی که انجام شد خمر در دورن آنها نفوذ نمی کند و در عین حال پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نهی کردند و اصحاب ما این نهی از حمل بر کراهت کردند و برخی از فقها حمل بر امراض و بیماری کردند

امر چهارم :متن روایت اضطراب دارد مثلا امام فرمودند زدتم انتم الحنتم و حنتم که این به زبان ایرانی دوری بزرگ یا ظرف سفالی سبز رنگ می گویند و گاهی هم به قلاف شمشیر گفته می شود و معلوم نیست که منظور امام چیست اتفاقا در برخی از روایات نون هم ندارد الحتم یا مثلا امام(علیه السلام) مُزَفت را هم معنا کردند که قیری در درون پوستی می ریزند که برای آب یا شراب خالص درست می کنند یا این تفسیر را نویسنده آورد ؟ چنین تفسیری در زمان امام(علیه السلام) معلوم نیست و ما نمی دانیم